

عهد و گفتگو



تفسیر پاراشای هفته
توسط ربای ساکس

تفسیر پاراشای هفته: امور ۵۷۷۹

سه روایت از شبات

ربای لرد جانانان ساکس

Three Versions of Shabbat

Emor 5779

نکته ای منحصر به فرد در مورد شیوه گفتار پاراشای امور در مورد شبات وجود دارد. این پاراشا شبات را یک موعِد [عید] و یک میقرا قودش [فراخوان تقدس] می نامد، هرچند شبات در معنای قراردادی کلمه هیچ یک از اینها نیست. موعِد یعنی زمانی مقرر با تاریخی مشخص در تقویم. میقرا قودش یعنی یک مجمع مقدس، زمانی که قوم در حرم مرکزی گرد می آمد، و یا روزی که با تصمیم محکمه ای انسانی در مورد تقویم، مقدس اعلام می شد. شبات هیچ یک از اینها نیست. هیچ تاریخ معینی برای آن در تقویم نیست. زمان یک گردهمایی ملی نیست. همچنین روزی نیست که توسط یک محکمه انسانی، مقدس اعلام شده باشد. شبات روزی بود که توسط خود خداوند در ابتدای زمان، تقدیس شد.

شرح دلیل آن به کمک پیش زمینه ای ممکن می شود که این سه اصطلاح در آن آمده اند، یعنی در فصل هایی از تورات که بن مایه اول آن ها تقدس است (سفر لاویان ۱۸-۲۷). بر اساس فکرت انقلابی این باب، تقدس - اصطلاحی که معمولاً برای خداوند به کار می رود - می تواند به انسان ها اطلاق شود، وقتی جوهره کارهای خدا را تقلید کنند. مناسبت اعیاد با شبات، شبیه مناسبت معبد مقدس با کائنات است. اعیاد و شبات هر دو قلمروهای تقدس انسان ساخته هستند که بر اساس مدل خلقت و تقدیس الهی در ابتدای آفرینش ساخته شده اند. خداوند با دعوت انسان ها به ساختن حرم مقدس و تعیین تقویم ماهانه و سالانه ما را از شایستگی تقدس برخوردار می سازد. این تقدس را بی هیچ عملی همچون هدیه دریافت نکرده ایم، بلکه آنرا فعالانه و در جایگاه شریک آفرینش با خداوند به دست آورده ایم.

میترا قودش و موعده، آن گونه که در سفر لاویان می آیند، معنایی اضافه دارند که در هیچ جای دیگری نیست، زیرا یادآور جمله آغازین کتاب هستند: "و موسی را فراخواند [و میترا] و در چادر عهد [او هل موعده] با او صحبت کرده، گفت... " (لاویان ۱:۱). تمرکز روی میترا به معنای "فراخوان" است و موعده به معنای "دیدار". وقتی تورات این واژه ها را فقط در این باب برای شبات و اعیاد به کار می برد، تمرکز آن روی دیدار میان خدا و نوع بشر در قلمرو زمان است. خواه این فراخوان خداوند به ما باشد و خواه فراخوان ما به خداوند، چه خداوند پیشقدم دیدار بشود و چه ما چنین کنیم، زمان مقدس تبدیل به میعاد عاشقان و نقطه ای ساکن می شود در دنیای چرخان که در آن هنگام، عاشق و محبوب، خالق و مخلوق در شکل خاصی از شناخت که آنرا عشق می نامیم، برای همدیگر وقت می گذارند. اگر چنین باشد، پاراشای امور در مورد شبات به ما چه می گوید که جای دیگر آنرا نمی توانیم بیاموزیم؟ با نگاه به دو بخش دیگر پاسخ روشن می شود: دو روایت ده فرمان که در سفر خروج و سفر تثیبه آمده اند. همه می دانیم که انشای این دو روایت با هم فرق دارند. روایت در سفر خروج با واژه زانخور به معنای "به یاد بیاور" آغاز می شود. روایت در سفر تثیبه با شامور آغاز می شود به معنای

"رعایت کن؛ نگه دار؛ حفاظت کن". اما آنها از نظر درک طبیعت و اهمیت این روز عمیقا با هم متفاوت هستند. متن خروج چنین است:

روز شبات را از راه تقدیس آن به یاد بیاور. شش روز زحمت کشیده، همه کارهای خود را انجام خواهی داد، ولی روز هفتم، شبات است برای خداوند، خدای تو. در این روز نباید هیچ کاری بکنی... زیرا در شش روز خداوند آسمان ها و زمین را آفرید... ولی در روز هفتم استراحت کرد. (خروج ۹-۷:۲۰)

بنابراین، شبات یک یادآوری از آفرینش است. متن تشبیه روایت بسیار متفاوتی به دست می-دهد:

شش روز زحمت کشیده، همه کارهای خود را انجام خواهی داد، ولی روز هفتم شبات است برای خداوند، خدای تو. در آن روز نباید هیچ کاری بکنی، نه خودت، نه پسر و دخترت، نه خدمتکار مذکر و مونث ات... به یاد بیاور که برده بودی در مصر و خداوند شما را از آنجا بیرون آورد... بنابر این، خداوند، خدای تو دستور داد که روز شبات را رعایت کنی. (تشبیه ۱۴-۱۱:۵)

در اینجا هیچ اشاره ای به آفرینش نیست. در عوض، تورات در مورد رویدادی تاریخی سخن می گوید: خروج از مصر. ما شبات را نگه می داریم، نه به خاطر آنکه خداوند در روز هفتم استراحت کرد، بلکه چون نیاکان ما را از مصر بیرون برد و از بردگی به آزادی رساند. بنابر این، شبات یک روز آزادی، حتی برای بندگان و حتی جانوران اهلی است. یک روز هفتم، هیچ کس برده نیست.

البته، هر دو روایت درست هستند و ما هر دو روایت را در متن قیدوش که جمعه شب می-خوانیم، به یکدیگر پیوند می زنیم. ما شبات را یک یادآوری آفرینش می خوانیم (زیکارون له

مَعَسَه بَرِشِيت) و همچنین یک یادآوری خروج (ذِخْر لِيْتَصِيْت مِصْرِيْم). ولی، وقتی روایت سفر لاویان را در پیش زمینه این دو روایت بررسی می کنیم، مفاهیم غنی تری سربر می آورند. اگر به دقت بیشتری بنگریم، در تورات می توانیم سه صدای بارز را بشنویم: صدای پادشاهی، صدای کِهانت، و صدای نبوت. اینها سه نقش اساسی راهبری هستند که اسلوب های شناختی متمایزی دارند.

کوهنیم [کاهنان معبد]، انبیاء، و نُخبگان مدیر (حکیمان، مشایخ، شاهان و دربارهای آنها) هر یک شیوه های تفکر و سخن گفتن خاص خود را دارند. پادشاهان و دربارها زبان خُحما یا "عقل" را به کار می برند. کاهنان، تورات، این کلام خداوند برای همه زمان ها را تدریس می کنند. انبیاء دورنماهای نبوت آمیز دارند. آنها "کلام" خداوند نه برای همه زمان ها، بلکه برای زمان کنونی را حمل می کنند. نبوت با تاریخ کار دارد که رابطه متقابل میان خدا و بشریت است.

آیا این یکسره اتفاقی است که سه صدای متمایز وجود دارد؟ آیا نمی توانست چهار، دو یا یک صدا باشد؟ پاسخ منفی است. سه صدای متمایز وجود دارد، زیرا باور کانونی یهودیت این است که با خداوند در سه راه می توان دیدار کرد: در آفرینش، در وحی، و در رستگاری [نجات].¹

عقل، توانایی دیدن خداوند در آفرینش و پیچیدگی درونی دنیای طبیعت و ذهن انسانی است. به بیان امروزی، خُحما ترکیبی است از علوم و دانش های انسانی: اینها به ما امکان دیدن جهان

¹ ربی شیمون بن صماخ دوران (۱۳۶۶-۱۴۴۱) استدلال کرد که همه سیزده اصل ایمان موسی بن مایمون می توانست در این سه اصل بگنجد.

See Menachem Kellner, *Dogma in Medieval Jewish Thought* (Oxford: Littman Library of Jewish Civilization; New Ed edition, July 22, 2004).

در دوران مدرن این ایده را در درجه اول متعلق به فرانز روزنویگ می دانند.

همچون کار خداوند و انسان‌ها همچون آفریده‌هایی با شباهت به صورت خدا را می‌دهند. اینها در آیه‌ای از مزامیر داوود (۱۰۴:۲۴) یکجا آمده‌اند: "خداوند کارهای تو چه کثیرند! همه را با عقل آفریده‌ای."

وحی در تورات همچون تخصص کوهن‌ها [کاهنان]، توانایی شنیدن خداوند در شکل صدای دستوردهنده است که به بارزترین شکل در قانون تجلی می‌کند: "و خداوند گفت"، "و خداوند سخن گفت"، "و خداوند فرمان داد". وحی نه با دیدن، بلکه با شنیدن به معنای عمیق آن یعنی گوش سپردن، دقت کردن، حاضر بودن و پاسخ دادن، کار دارد. عقل به ما می‌گوید که امور چگونه هستند. وحی به ما می‌گوید که چگونه زندگی کنیم. خودآگاهی نبوت همواره بر روی رستگاری و نجات متمرکز است: راه طولانی و پیچ در پیچ به سوی جامعه‌ای استوار بر عدالت و شفقت، مهر و بخشش، صلح و کرامت انسانی. نبی می‌داند که ما از کجا آمده و به کجا می‌رویم، در سفر خود به چه منزلگاهی رسیده‌ایم و چه خطرهایی پیش رو است. کلام انبیاء همواره در پیوند با تاریخ و زمان حاضر در مناسبت با گذشته و آینده است؛ تاریخ نه فقط به معنای رویدادهای پشت سر هم، بلکه همچون رویکرد به سوی جامعه‌آرمانی که ارض موعود و دوران ماشیح است؛ یا تاریخ همچون دور شدن از جامعه‌آرمانی.

آفرینش، وحی و رستگاری نماینده سه مناسبت بنیادی هستند که یهودیت و زندگی بشری در آنها شکل گرفته‌اند. آفرینش، مناسبت خدا است با جهان. وحی مناسبت خدا است با ما. وقتی ما وحی را به آفرینش می‌افزاییم، حاصل، رستگاری است: دنیایی که در آن اراده خداوند با اراده‌های ما یک جهت پیدا می‌کند.

اینک درمی‌یابیم که چرا تورات سه روایت متمایز از شبات دارد. روایت شبات در نسخه اول ده فرمان - "زیرا خداوند در شش روز آسمان‌ها و زمین را آفرید" - آفرینش شبات است. روایت شبات در نسخه دوم، "به یاد بیاور که در مصر برده بودی و خداوند تو را خارج کرد"،

شباتِ رستگاری و نجات است. روایتِ شبات در پاراشایِ امور، با صدای کهنات، شباتِ وحی است. در وحی، خداوند بشریت را خطاب قرار می دهد.

از این رو است که کتابِ میانِ تورات (که بیش از همه اسفار تورات، قانون کاهنان را بازتاب می دهد)، با واژه و یقرا به معنای "و او فراخواند" آغاز می شود. همچنین به این دلیل است که شبات فقط در این پاراشا از جمله روزهایی اعلام می شود (تیکره او) "که باید آنرا از جمله فراخوان های مقدس بدانی (میقرا قودش) با تاکید بیشتر بر روی فعل ق-ر-ا به معنای صدازدن، اعلام کردن و فراخواندن. شبات روزی است که ما با آرامش ناشی از استراحت و سکوت روح، صدای خدا را می شنویم.

به همین منوال است واژه "موعد" که در کل یعنی "زمان های مقرر"، ولی در اینجا یعنی "دیدار". یهودا هلوی، شاعر و فیلسوف قرن یازدهم گفت که هنگام شبات، گویی خداوند ما را شخصا به ضیافت بر سفره خود دعوت نموده است.² شباتِ وحی به آفرینش جهان بر نمی-گردد و یا به رستگاری آینده نظر ندارد. شباتِ وحی، لحظه اکنون را همچون زمانِ شخصی ما با خداوند جشن گرفته، قدرت "زمان حال" را نمایندگی می کند. نه تنها این ساختار سه بُعدی در تورات قرار گرفته، بلکه در دعاهاى شبات نیز بازتاب یافته است. شبات تنها روز سال است که در آن، دعاهاى عصر، صبح و بعد از ظهر، با یکدیگر فرق دارند. در عمیدای جمعه شب، ما به شباتِ آفرینش استناد می کنیم: "روز هفتم را به خاطر نامت همچون اوج آفرینش آسمان و زمین، تقدیس کردی". در صبحِ شبات، از لحظه والای وحی می گوییم: موسی برای موهبتِ سهم خود شادمانی کرد... او در دست خود دو لوح سنگی داشت که در آن رعایتِ شبات حکم شده بود". در بعد از ظهر شبات، به رستگاریِ نهایی نظر می دوزیم: وقتی سراسر

² Judah Halevi, *The Kuzari*, II: 50.

بشریت خواهد پذیرفت که خداوند یکی است و نام او یکی و در روی زمین چه کسی مانند شما ای اسرائیل، ملتی متحد است." ³

آفرینش، وحی و رستگاری سه بُعد ایمان یهودی را شکل می دهند. همچنین این سه بُعد، اساسی ترین اصل سازنده دعاهای یهودی هستند. این سه بُعد در هیچ جا آشکارتر از درک تورات از شبات دیده نمی شوند: یک روز دربردارنده هر سه بُعد که پشت سر هم در تجربه های عصر، صبح و بعد از ظهر نمودار می شوند. آن چه در فرهنگ سکولار به صورت علم، دین و ایدئولوژی سیاسی تفکیک شده، در این روز با هم در تجربه دگرگون سازی از خدای آفریننده جهان - که حضورش خانه های ما را از نور آکنده می سازد و روزی ما را به جهانی از آزادی، عدالت و صلح رهنمون می سازد - به وحدت می رسند.

شبات شالوم



برای دیگر آثار رای ساکس لطفاً از این تارنما بازدید فرمایید - www.rabbisacks.org
کلیه حقوق محفوظ است • دفتر رای ساکس توسط بنیاد عهد و گفتگو حمایت می شود

*ترجمه فارسی با مشارکت بنیاد ایرانی هارامام، وابسته به فدراسیون یهودیان ایرانی-آمریکایی توسط شیریندخت دقیقیان

Persian Translation by Shirin D. Daghighian

3 عبارت گوی *اخاد با آر تص* که سه بار در تنخ [مجموعه تورات، کتب انبیاء و کتب کاتبان] تکرار می شود، دو معنا دارد: ملتی واحد بر روی زمین (کتاب دوم شموئل ۷:۲۳- کتاب پادشاهان ۱۷:۲۱) و ملتی دوباره به وحدت رسیده پس از چنددستگی های درونی (حزقیا ۳۷:۲۲). این عبارت در اینجا هر دو معنا را دارد.